



۲۰۱۸/۰۵/۲۸

پوهنيار کاوون عزيزي و پوهنيار عبدالله عادل

حقيقت تاريخي و حقوقي معاهده خط ديورند

مقدمه: در اين روزها مسئله خط ديورند از طرف بعضي افراد، گروه ها و سازمان هاي سياسي مطرح گرديد، كه نورافگن ها و تربيون هاي رسانه هاي ديداري و شنيداري بخصوص شبكه هاي اجتماعي را به خود جلب نمود. اگرچه اين بحث تا حد زيادي نياز به تحقيق تخصصي، حقوقي و تاريخي دارد، ولي متاسفانه از اين مسئله همه جناح هاي دخيل براي برآورده ساختن اهداف سياسي خویش استفاده نمودند كه در نتيجه اذهان عامه خدشه دارتر گرديد و نه تنها بحث اين جناح ها به يك نتيجه مطلوب ملي نرسيد، بلكه پرسش هاي جديد را در اذهان عمومي به ميان آورد.

قراين چنين ثابت ميسازد كه پيشبرد چنين بحث ها در رسانه ها و شبكه هاي اجتماعي به شكل غير واقعي و غير مسلكي از يكطرف كشور را به طرف بحران جديد سوق ميدهد و از طرف ديگر، براي دشمنان افغانستان زمينه مداخله آشكار را مساعد ميسازد، كه موقف افغانستان قدرتمند را تحت پرسش قرار خواهد داد. به همين دليل اين را وجيبه ملي و ايماني خود دانستيم تا در مورد معاهده خط ديورند، تمام حقايق تاريخي و حقوقي را با استفاده از اسناد و منابع معتبر بررسي نموده و با هموطنان خویش شريك سازيم؛ تا ايشان بتوانند از حقايق تاريخي و حقوقي اين مسئله آگاهي لازم را داشته باشند و در پرتو اسناد و مدارك واقعي قضاوت نمايند.

متاسفانه در كشور ما نگاه سياسيون و جوانان تحصيل كرده به مسائل حساس ملي بر مبنای منافع مقطعي و فصلي، شخصي و قومي استوار ميباشد كه اين كار منافع معتبر ملي ما را به مخاطره مي اندازد؛ پس هدف عمده ديگر در اين تحقيق اين است تا بتواند در سايه آزادي بيان و اصول ديموكراسي در رويه مردم اصلاحات وارد نمايد؛ تا در آينده در مقابل مسائل حساس ملي به عوض احساسات و منافع شخصي، به اساس دلايل منطقي و اسناد، برخورد ملي صورت گيرد.

بعد از تحقيق زمان گير و بررسي شواهد تاريخي، اين نوشته کوتاه كوشش نموده تا در نخست ضرورت و دلايل تاريخي ايجاد خط ديورند را بررسي نمايد، و بعد به كاوش خط ديورند معاهدات و مذاكرات كه از سال ۱۸۹۳ تا به امروز موجود است، بپردازد. در اخير در سايه معاهدات تاريخي و توافقات بين المللي، حيثيت حقوقي اين خط با در نظر داشت موقف هاي حقوقي افغانستان و پاكستان ارزيايي گرديده است. اميد كه اين تحقيق بتواند ابهامات و پرسش هايي كه در اذهان هموطنان ما موجود است را جواب دهد و بتوانيم درين مسئله ملي به يك نتيجه منطقي كه عاري از تعصب باشد دست يابيم.

چرا خط ديورند به وجود آمد؟

در زمان امير عبدالرحمن خان كه سياست خارجي افغانستان زير اثر انگليس ها قرار داشت امير بخاطر جلوگیری از مداخلات شوروی در سال ۱۸۸۸م خواست تا سرحدات شمالی کشور با روس ها تعيين گردد. كه بالاخره يك كميسيون مشترك Russo-Anglo Joint Boundary Commission تشكيل گرديد و سرحدات شمال کشور را تعيين نمود، ولي تا آن زمان سرحدات افغانستان با هند بریتانوی تعريف نگريده بود، كه امير عبدالرحمن از نيت هند بریتانوی در تشويش بود و در تلاش اين بود تا سرحدات نامعلوم افغانستان با هند بریتانوی تعريف گردد؛ در عين حال پس از تعريف سرحدات شمالی و غربي افغانستان، بریتانوی ها نیز در تلاش اين بودند تا ساحه نفوذ خود را با افغانستان تعريف نمايند؛ چون انگليسيها به خاطر اهداف خود سترايتزي به وجود آوردن حایل مهمم را به پيش ميبردند. در سال ۱۸۸۸م امير عبدالرحمن براي نايب السلطنه هند بریتانوی Lord Dufferin نامه ارسال كرد و در آن تقاضا نمود تا براي تعريف سرحد افغان-هند، يك كميسيون را به كابل ارسال دارند، ولي در مقابل هيچ كميسيوني از طرف بریتانوی ها ارسال نگريديد. بعداً در سال ۱۸۸۹ امير براي بار دوم نامه را آماده نمود و براي حكامران هند بریتانوی Viscount Cross ارسال نمود كه در نتيجه از طرف انگليس ها هيئتي به رهبري Lord Roberts تعيين گرديد، ولي چون جنرال رابرت در جنگ دوم افغان-انگليس دخيل بود، امير عبدالرحمن فكر نمود كه مذاكره و چانه زني با اين جنرال دشوار خواهد بود؛ پس به همين دليل آمدن اين هيئت را معطل قرار داد. معطل قرار دادن هيئت از طرف امير با عكس العمل منفي نايب السلطنه بریتانوی روبرو شد و ايشان براي امير التوماتمي (ضرب الاجل) تعيين نمود كه امير بايد براي مذاكره وقت تعيين نمايد و يا سرحد تعيين شده توسط هيئت انگليسي را بپذيرد.

امير عبدالرحمن براي آرامش اين وضعيت، بعضي اقدامات را روي دست گرفت كه از جمله براي نايب السلطنه انگليس هاو وزير خارجه Sir Mortimer Durand نامه ای ترتيب نمود، كه در نامه از ايشان خواست تا نقشه سرحد افغان-هند بریتانوی را براي امير ارسال دارند. امير اين نامه را در دست يكي از خدمتگاران انگليسي اش بنام

د پانو شميره: له 1 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليكني د ليكنيزي بني پاڼوالي د ليكوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكي په خير و لولي

Mr. Pyne ارسال نمود و به خدمتگار خویش فهماند تا با ضایع نمودن وقت زیاد به هند برسند؛ تا در نتیجه مسوول هیئت جنرال رابرت از وظیفه اش به تقاعد رود. اگر چه امیر توانست مذاکرات را الی سفر جنرال رابرت به برتانیه به تعویق بیندازد، ولی با آن هم نقشه افغانستان که از طرف نایب السلطنه تهیه گردیده بود، برای امیر ارسال گردید که در آن مناطق **وزیرستان، چمن، چاغی، بولاندخیل، مهمند، اسمار، و چترال** شامل ساحه افغانستان نبود؛ این امر با عکس العمل شدید امیر روبه رو شد و امیر با ارسال نامه ای برای نایب السلطنه چنین اظهار داشت:

نقاط مهم معاهده دیورند ۱۹۸۳ :

این معاهده دارای هفت ماده میباشد که توسط هنری مورتمیر دیورند و امیر عبدالرحمن خان در ۱۲ نومبر ۱۸۹۳ در کابل به امضا رسیده و بالای نقاط ذیل تمرکز دارد:

- هدف معاهده این بود تا در فضای دوستانه ساحه نفوذ سیاسی هر دو جناح تعریف گردد.
- به اساس نقشه برای علامت گذاری یک کمیسیون مشترک تشکیل میگردد و با در نظر داشت حقوق مردم آن روستاها را بر اساس نقشه علامت گذاری مینماید.
- در صورتیکه در تطبیق علامت گذاری کدام مشکل و یا تفاوت های در آینده بوجود آید، بخاطر نگهداری فضای اعتماد مشکل در فضای دوستانه حل خواهد گردید.
- در ماده هفتم چنین تذکر یافته: اینکه امیر عبدالرحمن خان با نیت خوب با برتانوی ها مذاکره نمود و آرزو افغانستان آزاد و قوی را دارد، پس برتانیه برای امیر اجازه میدهد تا وسایل جنگی را خریداری و وارد نماید. همچنان دولت برتانیه بر علاوه کمک ۱۲ لک روپیه قبلی برای ۶ لک روپیه دیگر وعده میدهد.

پاداشت: معاهده دیورند در تمام آرشیف های جهان بدون امضا موجود است و هیچ اداره ای تا امروز معاهده اصلی با امضا اصلی را نتوانسته بدست بیاورد. معلومات فوق از کاپی معاهده (بدون امضا) که در آرشیف هند موجود است استخراج شده است.

(در صورتیکه شما مناطق نامبرده را از ساحه حاکمیت من جدا میسازید، پس آن مناطق نه در حاکمیت شما و نه در حاکمیت من باقی خواهد ماند. شما همیشه در این مناطق با مشکلات و جنگ های روبه رو خواهید بود. اینکه حکومت شما مقتدر و آرام است، شما خواهید توانست با استفاده از قدرت این مناطق را آرام نگهدارید، ولی زمانیکه دشمن در مرزهای هند نفوذ نماید، این مناطق از بدترین دشمنان شما خواهد بود. اینکه شما قبایل که جز ملت و دین من است را از من جدا میکنید، با این کار حیثیت من در مقابل مردم متضرر و مرا کمزور میسازید، که کمزوری من حکومت شما را نیز متضرر خواهد کرد).

انگلیس ها و هند برتانوی به اخطار امیر توجه نکردند و قبایل سرحدی مثل **بولاندخیل، وانه و ژوب** را با استفاده از نیروی خویش در حاکمیت خود نگهداشتند. در جریان همین کشمکش ها به رهبری دیورند، یک هیئت از پشاور به کابل سفر نمود و در کابل در فضای دوستانه و آرام مذاکرات را انجام دادند، که در نتیجه این مذاکرات به تاریخ ۱۲ نومبر ۱۸۹۳م میان امیر عبدالرحمن و دیورند معاهده مشهور خط دیورند **Durand Line Agreement** به امضا رسید.

اگر چه این معاهده از هر دو جانب پذیرفته شد، با آن هم امیر عبدالرحمن از نتایج این معاهده خوش نبود و هراس داشت که این معاهده آغاز انضمام دایمی قبایل سرحدی خواهد بود و سبب از بین رفتن حایل خیالی خواهد شد. بعد از امضای معاهده مشکل دیگر علامت گذاری فزیک سرحد بود که هر دو طرف کمیونی را برای علامت گذاری

د پانو شمیره: له 2 تر 8

افغان جرمن آنالین په درننیت تاسو همکارۍ ته رابولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

تشکیل دادند. زمانیکه در سال ۱۸۹۵م کار عملی علامت گذاری سرحد آغاز یافت، امیر عبدالرحمن دعوا نمود که نظر به توافق قبلی مستحق تمام ساحات مهمند میگردد؛ به همین اساس امیر عبدالرحمن در سال ۱۸۹۶ برای نایب السلطنه هند برتانوی Lord Elgin نامه فرستاد و در آن یادآور شد که در نقشه معاهده خط دیورند و نقشه عملی علامه گذاری نقاط اختلافی و متفاوتی وجود دارد. در جواب انگلیس ها برای امیر نوشتند که ایشان میتوانند در ساحات مهمند، یک امتیاز برای امیر قایل شوند و اخطار دادند که اگر امیر علامت گذاری را نپذیرد، این امتیاز هم لغو خواهد گردید.

بالاخره امیر برای کمیسیون مشترک علامت گذاری اجازه فعالیت داد ولی امیر نتوانست امنیت اعضای انگلیس این کمیسیون را تامین نماید، حتی بعضی از اسناد تحقیقی نشان میدهد که امیر قصداً خیزش های قبایل در سال ۱۸۹۷ را سازماندهی نموده بود که در نتیجه انگلیس ها به منظور انتقام گیری مناطق مهمند که برای امیر قرار بود واگذار گردد را نیز توسط نیروی های خویش اشغال نمود و انگلیس ها در مناطقی که دسترسی داشتند، علامه گذاری را نیز انجام دادند.

سیر تاریخی، مذاکرات پیهم و قرارداد ها (معاهدات) مذاکرات دوباره ۱۹۰۵

در سال ۱۹۰۱م زمانیکه امیر حبیب الله پسر امیر عبدالرحمن به قدرت رسید، اختلافات معاهده خط دیورند یکبار دیگر تازه گردید. درین موقع انگلیس ها از پرداخت سبایدی که برای امیر عبدالرحمن میپرداختند صرف نظر نمودند و انگلیس ها استدلال بر این میکردند که معاهدات انگلیس ها با امیر عبدالرحمن تماماً معاهدات شخصی بوده؛ در همین حال امیر حبیب الله بر اساس استدلال انگلیس ها بیان داشتند که در صورت شخصی بودن معاهدات، پس معاهده خط دیورند نیز معاهده شخصی میباشد. انگلیس ها بعد از مشوره داخلی به این نتیجه رسیدند که با امیر حبیب الله درین مورد مذاکره جدید صورت گیرد.

بعد از مذاکرات میان هند برتانوی، برتانیه، و افغانستان در ۲۱ مارچ ۱۹۰۵ معاهده جدید بین دو طرف (هند برتانوی-افغانستان) به امضا رسید، ولی قبل از امضای این معاهده امیر حبیب الله با ارسال نامه به مسول هیئت انگلیسی Mr. Dane که وزیر خارجه آنوقت نیز بود، بیان داشت که در مورد قبایل از اصول و حدود تعیین شده توسط پدرم نخواهم گذشت، و در معاهده جدید تقاضا نمود که تماماً ساحاتی که برای امیر عبدالرحمن وعده گردیده بود، باید به ایشان انتقال گردد و بر علاوه ساحات صمدزی هم بر آن علاوه گردد، ولی این خواست ها توسط عضو هیئت علامه گذاری Lord Curzon رد گردید، که در نتیجه مشکل خط دیورند برجا ماند.

دوره امان الله خان

در ۲۰ اکتوبر ۱۹۱۹م زمانیکه امیر حبیب الله وفات یافت، برادرش نصرالله برای یک هفته به قدرت رسید، ولی بعد از یک هفته امیر امان الله که پسر سوم امیر حبیب الله بود، امور دولت را در دست گرفت که با رسیدن به قدرت، استقلالیت داخلی و خارجی افغانستان را اعلام نمود. امیر امان الله از نایب السلطنه هند برتانوی به حیث یک کشور مستقل تقاضا نمود که ایشان آماده مذاکره در مورد موضوعات حل ناشده مثل معاهده خط دیورند میباشد، این حرکت امان الله قهر انگلیس ها را برانگیخت که بالاخره سبب آغاز جنگ سوم افغان-انگلیس گردید.

مذاکرات دوباره ۱۹۱۹

بعد از جنگ سوم افغان-انگلیس که استعمار انگلیس ها در تمام دنیا در لرزه بود، انگلیس ها خواستند تا در پالیسی های سیاسی و اقتصادی خود تغییرات بیاورند، ولی با آن هم لندن تصمیم گرفت تا قبایل مهمند و وزیرستان که یک حصه آنرا در جنگ سوم افغان-انگلیس از دست داده بودند را دوباره با استفاده از نیروی نظامی اشغال نمایند. در جنگ سوم افغان-انگلیس، هدف افغانستان تنها استقلالیت سیاست خارجی نبود، بلکه افغانستان میخواست با هند برتانوی سرحدات گذشته که به شکل غیر عادلانه تحت اشغال انگلیس ها قرار گرفته بود را دوباره به دست آورد. بالاخره در ۳ جون ۱۹۱۹م بعد از اعلام آتش بس میان طرفین، مذاکرات راولپندی که رهبری هیئت افغانی را احمد علی خان و رهبری هیئت انگلیس ها را A. H. Grant داشت، آغاز گردید و در ۸ اگست ۱۹۱۹م معاهده صلح راولپندی Peace Treaty به امضا رسید که نقاط مهم معاهده قرار ذیل بود:

در ماده اول این معاهده تذکر یافته که از ۸ اگست ۱۹۱۹ به اینطرف، تماماً معاهدات بین دولتین به امضا میرسد. موجودیت چنین جمله گویای آن است که معاهدات امیران با دولت هند برتانوی، تماماً شخصی بوده و واضح میسازد که از تاریخ ذکر شده به بعد تمام معاهدات، دولت محور خواهد بود و بین دولت های مستقل میباشد.

از همه مهمتر اینکه با معاهده صلح ۱۹۱۹ یک نامه جداگانه توسط مسولین هیئت مذاکره کننده افغانی و انگلیسی ضمیمه گردید که در آن، صریحاً چنین تذکر یافت: (با این معاهده و نامه، افغانستان بطور رسمی در امورات داخلی و خارجی مستقل میباشد و با صدور این نامه، تماماً معاهدات قبلی ملغی اعلام میگردد).

مذاکرات دوباره و معاهده ۱۹۲۱ کابل

معاهده صلح راولپندی اختلافات را تنها روی کاغذ حل کرد، در حالیکه از یکطرف در خط دیورند ساحات وسیعی بدون علامت گذاری برجا باقی مانده بود و از طرف دیگر، انگلیس ها در قبایل پشتون نشین هنوز هم با مشکلات روبه رو بودند. در سال ۱۹۲۰م روابط افغانستان با روس ها نزدیک گردید که در نتیجه انگلیس ها احساس خطر نمودند و معاهده جدید را برای دولت افغانستان ترتیب دادند و برای مذاکرات هیئت تعیین گردید. رهبری هیئت انگلیسی را Henz R. C. Dobbs و رهبری هیئت افغانی را محمود طرزی در دست داشت. بعد از چانه زنی های یازده ماهه، معاهده ۱۹۲۱ کابل در حالی به امضا رسید که مشکلات نقاط نامعلوم خط دیورند برجا باقی ماند؛ اگر چه بعد از این معاهده کوشش های دیپلماتیک دیگر مثل مذاکرات ۱۹۳۰ و ۱۹۳۴ صورت گرفت، ولی با آن هم الی استقلال هندوستان ۱۹۴۷ مشکلات خط دیورند برجا باقی ماند.

مشکل به جا مانده، از استقلال هند (۱۹۴۷) الی امروز (حال)

زمانیکه بتاريخ ۳ جون ۱۹۴۷ پلان تقسیم هند برتانوی به هند و پاکستان مطرح شد، افغانستان خط دیورند را رد کرد و عملاً تحریک پشتونستان را ایجاد نمود که برای آزادی نقاط شمالشرقی مبارزه مینمودند، ولی پاکستان با استفاده از قدرت نظامی خویش نفوذ خود را تحمیل نمود، که با عکس العمل جدی دولت افغانستان روبرو گردید. کابل بتاريخ ۲۶ جولای ۱۹۴۹ لویه جرگه را دایر نمود که این جرگه پشتیبانی خویش را از استقلالیت قبایل آزاد اعلام نمود و جرگه تمام معاهدات را که افغانستان با هند برتانوی داشت بشمول معاهده دیورند را لغو اعلام نمود و همچنان اعلام نمودند که دولت افغانستان این خط را به رسمیت نمی شناسد. اینکه اعلامیه لویه جرگه توسط کدام سازمان بین المللی تایید نگردیده، به همین منظور این دعوا درین مدت ۶۸ سال برجا باقی مانده است.

زمانیکه بعد از ظاهرشاه محمد داوود به قدرت رسید، ایشان یکی از طرفدارن سرسخت داعیه پشتونستان بودند و در زمان حکومت وی، هیچ مذاکره در مورد خط دیورند صورت نگرفت و مشکل برجا ماند. به همین ترتیب بعد از کودتای ثور، هیچ یک از حکومت های کمونیستی افغانستان خط دیورند را تایید ننمودند.

با سقوط رژیم های کمونستی، پاکستان که یکی از حامیان سرسخت مجاهدین بود، از حکومت مجاهدین توقع حل مشکل دیورند را داشت، ولی حکومت برهان الدین ربانی که قدرت اصلی در دست احمد شاه مسعود بود نیز خط دیورند را به حیث سرحد قانونی قبول ننمود؛ به همین سبب پاکستان حمایت خویش را از گلبدین حکمتیار نمود، ولی در مدت کم ثابت گردید که حکمتیار نمیتواند حکومت برهان الدین ربانی را سقوط دهد و اگر سقوط هم دهد حکمتیار نیز خط دیورند را به رسمیت نخواهد شناخت. همین علت بود که پاکستان تمرکز خویش را بالای حمایت طالبان نمود، طالبان توانستند که بیشتر از ۹۰ درصد خاک افغانستان را تحت کنترل خویش بیاورند و امارت خویش را اعلام کنند، ولی آنها نیز رسمیت خط دیورند را رد نمودند.

بعد از سقوط امارت طالبان، حکومت حامد کرزی نیز خط دیورند را بارها رد نمود؛ اگر چه در اکتوبر سال ۲۰۱۲ نماینده خاص ایالات متحده امریکا برای افغانستان و پاکستان در باره خط دیورند نظر خویش که گویا خط دیورند سرحد بین المللی رسمی میان افغانستان و پاکستان میباشد را اظهار نمود، ولی دولت افغانستان عکس العمل جدی خویش را با چنین الفاظ اظهار داشت (خط دیورند برای افغانها اهمیت تاریخی دارد، دولت افغانستان هر نوع اظهارات در مورد حیثیت حقوقی این خط را بی اعتبار می پندارد و آنرا رد مینماید).

در کل از این بخش چنین نتیجه به دست می آید که مسئله دیورند، تا امروز لاینحل باقی مانده و هیچ یک از حکومت های افغانستان این خط را نپذیرفته، و این مشکل در حالی باقی مانده که حکومت پاکستان از طرف خود بارها اظهار داشته که نزد آنها مشکل خط دیورند حل شده است.

پرسش ها در مورد حیثیت حقوقی خط دیورند

در این بخش، نخست ادعای افغانستان را از نظر حقوقی در مورد نپذیرفتن این خط ارزیابی خواهیم نمود و بعداً ادعای پاکستان که در مقابل قرار دارند را ارزیابی خواهیم کرد. در اخیر برای شما خوانندگان گرامی ثابت خواهد شد که ادعای افغانستان در مورد نپذیرفتن خط دیورند از نظر حقوقی بر حق میباشد.

رویارویی حقوقی افغانستان و پاکستان در مورد خط دیورند

برای تحت پرسش قرار دادن حیثیت حقوقی خط دیورند، سه مبحث بزرگ از طرف افغانستان مطرح است.

د پانوی شمیره: له 4 تر8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

• **پاکستان (به حیث کشور مستقل) جانشین قانونی هند برتانوی نمی باشد.**

در ۳۱ جولای ۱۹۴۷ برای بار نخست پرسش در مورد به وجود آمدن پاکستان به حیث یک کشور از بدنه هند برتانوی (نه جانشین دولت هند برتانوی) توسط صدراعظم افغانستان شاه محمود خان در جریان جلسه با وزیر خارجه برتانیه مطرح شد. درین جلسه مقامات افغانستان یادآور شدند که تمام معاهدات قبلی که در مورد مرزهای افغانستان با دولت هند برتانوی صورت گرفته، با انتقال قدرت هند برتانوی به دولت پاکستان ملغی میباشند، که این اظهارات قبل از به وجود آمدن پاکستان به حیث یک کشور مستقل توسط مقامات افغانستان صورت گرفت.

ادعای فوق، توسط پاکستانی ها با ارائه کنوانسیون ویانا ماده ۱۱ (VCSRT) که برای دولت های تشکیل شده که جانشین دولت های قبلی میباشند، حق این را میدهد تا توافقات دوجانبه الزامی **binding bilateral agreement** دولت های قبلی به حالت خودش به کشور های جانشین انتقال یابد، غیر قانونی میخوانند.

از زمان استقلال، پاکستان بر اساس قواعد دیوان بین المللی عدالت (International court of justice) که بالای انتقال قراردادهای دوجانبه الزامی (**binding bilateral agreement**) که در آن سرحدات بین المللی بین قدرت ها تقسیم گردیده و بعداً کشورهای مستقل به وجود آمده تاکید مینماید؛ ادعا میکنند که خط دیورند نیز به دولت پاکستان انتقال یافته است.

به همین ترتیب، زمانیکه پاکستان به حیث یک کشور مستقل عرض اندام مینمود، دولت برتانیه در ماده ۱۹۴۷ این را واضح نمود که تمام معاهدات جانبین الزامی (**binding bilateral agreement**) برتانیه به جانشین برتانیه (پاکستان) انتقال می یابد که از نظر قانونی، پاکستان مستحق تمام **binding bilateral agreement** برتانیه میگردد. ولی پرسش اصلی در جا باقی مانده که آیا معاهده دیورند یک معاهده جانبین الزامی **binding bilateral agreement** میباشد و یا خیر؟ برای پاسخ به این پرسش، نیاز به تحلیل معاهده دیورند و تفاوت آن با معاهدات ۱۹۱۹ و ۱۹۲۱ میباشد، که در بخش بعدی به آن خواهیم پرداخت.

• **پاکستان به حیث ناقض معاهده خط دیورند**

در سال ۱۹۴۹ زمانیکه قوای هوایی پاکستان، یک قریه افغانستان را بمباران نمود، دولت افغانستان لویه جرگه را دایر نمود که در آن واضح اعلام گردید که افغانستان، نه خط خیالی دیورند را می پذیرد و نه سرحدات همانند دیگر را، بر علاوه در آن وقت خاطر نشان گردید که تماماً توافقاتی که از سال ۱۸۹۳ تا به این تاریخ موجود است لغو میباشد. به اساس ادعای افغانستان اگر معاهده دیورند در میان هم باشد، در آن چنین تذکر یافته که هیچ یک از دولتین حق مداخله سیاسی و نظامی در آنطرف خط را ندارد؛ پس مداخله نظامی درین ساحات، گذشتن از معاهده میباشد که این معاهده را ملغی میسازد. در مقابل دولت پاکستان قوانین بین المللی را اساس قرار میدهد و ادعا میدارد که یک جانب معاهده، حق لغو معاهده الزامی **binding** را ندارد؛ فرضیه پاکستان در این ادعا خواندن معاهده دیورند به حیث معاهده الزامی **binding agreement** میباشد که به آن در بخش بعدی خواهیم پرداخت.

• **معاهده خط دیورند بعد از صد سال (۱۹۹۳) منقضی میشود**

بعضی از دانشمندان افغان ادعا مینمایند که معاهده خط دیورند، برای صد سال مدار اعتبار میباشد که از آن جمله میتوان از داکتر حسن کاکر نام برد، ایشان ادعا میدارد که معاهده خط دیورند بعد از امضا توسط انگلیس ها دستکاری شد و بعضی از بند ها حذف گردید و ایشان علاوه مینماید که ترجمه معاهده که برای امیر عبدالرحمن ارسال گردید، متفاوت از معاهده انگلیسی که بعداً توسط انگلیس ها اعلام گردید بود. این دانشمندان قضیه معاهده خط دیورند را با قضیه انتقال هنگکاتگ به چین مشابه میدانند. این ادعا بعد از مصاحبه حکمران قبایل آزاد آقای خلیل الرحمن در سال ۲۰۰۵ محکمتر گردید، که از ایشان توسط یک ژورنالیست نقل قول میشود که گویا چنین یادآور شدند (معاهده دیورند بعد از صد سال نقض میشود که سال ۱۹۹۳ میباشد و ایشان با پرویز مشرف برای تجدید آن گفتگو نموده است).

این ادعای دانشمندان افغان و بعضی از سیاسیون پاکستانی ضعیف میباشد؛ زیرا برای اثبات این ادعا هیچ سندی موجود نیست و نیاز به دریافت و مطالعه دوباره ترجمه معاهده خط دیورند و ارائه اسناد درین مورد نیاز است.

نقاط ضعف در ادعاهای پاکستانی ها

قسمیکه قبلاً تحلیل و ارزیابی گردید، بحث پاکستانی ها بالای فرضیه اینکه معاهده دیورند، یک معاهده دوجانبه الزامی بوده که در آن سرحدات بین المللی توضیح گردیده استوار است؛ به همین ترتیب پاکستانی ها با رجوع به توافقات ۱۹۰۵، ۱۹۱۹ و ۱۹۲۱ تاکید بر این مینمایند که افغانستان نیز این خط را پذیرفته، در حالیکه با در نظر داشت توافقات

د پانوی شمیره: له 5 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

۱۸۹۳ و دیگر توافقات مثل ۱۹۰۵، ۱۹۱۹، و ۱۹۲۱ دعوای پاکستانی ها با پنج ضعف عمده روبه رو میشود، که هر یک از نقاط ضعف را میتوان به شرح زیر توضیح داد:

ضعف اول: در قدم نخست، معاهده دیورند که در سال ۱۸۹۳ به امضا رسید، سرحد سیاسی را تعریف نمود که در آن حوزه نفوذ امیر عبدالرحمن و هند برتانوی معلوم باشد، نه اینکه خط فزیک باشد که دو کشور مستقل را تعریف نماید. هدف انگلیس ها نیز از معاهده دیورند این بود تا بتوانند ساحه نفوذ امیر را بالای ساحات قبایلی محدود سازد و دلیل ثابت کننده این است که انگلیس ها هیچگاه کنترل ساحات قبایلی را در دست نداشتند و نگرفتند. این مسئله توسط اکثر اشخاص اکادمیک مثل پروفیسور دنیال اچ دیوایدنی Prof. Daniel H. Deudney توضیح گردیده که در سال های ۱۸۸۰ زمانیکه توسعه مستعمرات اروپا در افریقا و آسیای به تکامل رسید، کشورهای اروپایی پروسه تعیین ساحه نفوذ را در پیش گرفتند تا به شکل مسالمت آمیز بتوانند به رقابت های خویش ادامه دهند، که اولین اتفاق تعیین ساحه نفوذ بین انگلیس و آلمان در ماه می ۱۸۸۵ در ساحات گلف اوف گونیا Gulf of Guinea صورت گرفت، به همین ترتیب خیلی از مثال هایی وجود دارد که همه آن به مفهوم نفوذ سیاسی میباشد، نه اینکه به شکل فزیک انتقال سرحدات را افاده کند. دلیل خیلی مهم برای رد نمودن مفهوم خط فزیک، حرف های خود دیورند میباشد که پس از بازگشت به هند در مصاحبه ای چنین ابراز داشت: "اقوامی که در سمت هند زندگی میکنند، هیچگاه شامل قلمرو انگلیس ها نمیشوند؛ آنها صرفاً از نظر تخنیک ساحه نفوذ ما میباشد." اظهارات دیورند که خود شخص کلیدی این معاهده و وزیر خارجه هند برتانوی بود، این را واضح میسازد که معاهده سال ۱۸۹۳ صرفاً خط مجازی بوده که توسط آن انگلیس ها برای بازی های بزرگ (Great Game) خواستند ساحه نفوذ امیر را محدود سازند. بر علاوه بعد از تشکیل ایالت قبایلی سرحد (North Western Frontier Province NWFP) در سال ۱۹۰۱ قبایل آزاد تحت قانون جداگانه در آمدند که در آن، سران اقوام پشتون به شکل مستقل فعالیت های خویش را انجام میدادند و برای اینکه در سیاست های منطوقی مداخله نمایند، برای ایشان از طرف حکومت هند برتانوی پول و اسلحه به شکل سببایدی پرداخت میگردد. نقطه مهم که در عقب این تلاش ها نهفته بود، اینکه حکومت هند برتانوی میخواست این ساحات پشتون نشین را از نفوذ امیر عبدالرحمن دور نگهدارد تا در بازی های بزرگ، از این قبایل برای تهدید منافع انگلستان استفاده صورت نگیرد.

قسمیکه قبلاً ثابت گردید، معاهده دیورند ۱۸۹۳ هیچگاه مرز فزیک بین دو کشور را تعیین ننموده، پس ادعای پاکستان که جانشین دولت انگلیس آن وقت میباشد، با در نظر داشت قوانین بین المللی (VCSST) نیز مستحق خط مشمول معاهده دیورند نمیگردد؛ زیرا این خط به شکل فزیک وجود نداشت.

ضعف دوم: بحث پاکستانی ها که گویا خط دیورند یک سرحد بین المللی تعریف شده است که افغانستان آن را در معاهده ۱۸۹۳ پذیرفته و در سال ۱۹۰۵ نیز تایید گردیده، دارای ضعف بزرگ میباشد؛ چون این معاهده یک معاهده شخصی بین امیر عبدالرحمن و دولت هند برتانوی بوده، به دلیل اینکه بعد از وفات امیر عبدالرحمن انگلیس ها از تادیبات سالانه که برای عبدالرحمن میپرداختند منصرف شدند، مستدل براینکه معاهدات انگلیس ها با امیر عبدالرحمن، تماماً معاهدات شخصی با امیر بوده و به همین ترتیب برای توافقنامه جدید با امیر حبیب الله وارد مذاکره گردیدند، که در نتیجه موافقتنامه ۱۹۰۵ به امضا رسید. به همین ترتیب در سال ۱۹۱۹ معاهده امیر حبیب الله توسط امان الله پسرش تحت پرسش قرار گرفت که در نتیجه بعد از استقلال کامل افغانستان و با اظهار دلایل قانع کننده، تماماً معاهدات قبلی توسط انگلیس ها شخصی محسوب و توافق روی مذاکرات جدید برای حل مسئله دیورند بین امیر امان الله و انگلیس ها صورت گرفت.

ضعف سوم: یکی از موضوعات مهم که در ادعای پاکستانی ها موجود است، اینکه معاهده دیورند ۱۸۹۳ در سال ۱۹۱۹ و ۱۹۲۱ توسط امیر امان الله به ادامه معاهده ۱۹۰۵ تایید گردیده، این مسئله قبلاً در بخش های گذشته ثابت گردید که هیچ یک از این توافقات، معاهده اصلی دیورند را نپذیرفته و حتی رد هم کرده است. بطور مثال معاهدات ۱۹۱۹ و ۱۹۲۱ با لغو تمام معاهدات قبلی که بین هند برتانوی و افغانستان صورت گرفته بود، خلاصه گردید و این معاهدات در واقع مذاکره در تلاش برای حل و فصل اختلافات ارضی در ارتباط به معاهده دیورند اصلی بود؛ تا نا هنجاری باقی مانده که هنوز هم پابرجا میباشد، با تنظیم مرز فزیک حل گردد؛ به همین دلیل است که امروز تفاوت واضح بین خط معاهده دیورند و سرحد فزیک بین دولتین موجود است.

ضعف چهارم: معاهده کابل که به تاریخ ۲۲ نومبر ۱۹۲۱ بین دولت افغانستان و هند برتانوی به امضا رسید، آخرین معاهده رسمی در مورد خط دیورند میباشد که در معاهده از آن به نام (سرحد هند افغانستان) یادآوری گردیده، که این یک معاهده بین دو دولت بوده؛ پس به همین سبب معاهده شخصی نیست. درین معاهده یک بند (ماده) شامل گردیده

د پانو شمیره: له 6 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې دليکنيزې بنې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولۍ

که بعد از ارسال یادداشت رسمی برای طرفین (High Contracting Parties) حق لغو یک جانبه این معاهده را یکسال بعد از یادداشت ارسال شده میدهد. بر علاوه چون این معاهده تمام مشکلات موجود در سرحد را نتوانست حل نماید، به همین دلیل ماده چهاردهم این معاهده یادآور میشود که این معاهده، موقت و برای سه سال قابل اعتبار میباشد؛ در صورتیکه درین سه سال یکی از طرفین برای لغو قبلی آن اقدام ننماید. این خود ثابت میسازد که دولت افغانستان همیشه امکانات این را داشت تا با ارسال یادداشت بعد از دوازده ماه، حصه سرحد توضیح شده در معاهده (موقت) ۱۹۲۱ را لغو نماید. اگر چه مدت این معاهده، سه سال تعیین گردیده بود، ولی اگر ادعای سالیان دراز هم گردد، با آن هم دولت افغانستان که یکی از طرفین معاهده میباشد، میتواند با ارسال یادداشت از قبل، بعد از یکسال این معاهده را لغو نماید.

ضعف پنجم: ادعای دیگر که در مورد معاهده ۱۹۲۱ از طرف دانشمندان پاکستانی مطرح میشود این است که دولت افغانستان در سال ۱۹۳۰ با تبادل یادداشت های متفاوت، از ادامه این معاهده پشتیبانی نمود؛ به همین دلیل دولت افغانستان حق لغو یک جانبه این معاهده را از دست داده است، که این ادعا را به اساس قوانین معاهدات کنوانسیون وینا ۱۹۶۹ (VCLT) ارائه مینمایند. ضعف این ادعا درین است که ماده ۴۵ (الف) این کنوانسیون که در مورد از دست دادن و یا بی اعتباری، فسخ، و یا به تعلیق درآوردن معاهدات میباشد، تنها در صورتی قابل تطبیق میباشد که یک کشور این کنوانسیون را امضا و تصویب نموده باشد؛ در حالیکه در زمان امضای معاهده کابل (۱۹۲۱) جانبین (افغانستان و پاکستان) این کنوانسیون (۱۹۶۹) را نه امضا و نه به تصویب رسانیده بودند؛ چون این دو تاریخ تقریباً نیم قرن تفاوت دارد. پس این خود نشان میدهد که این قانون در خصوص این معاهده قابل اجرا نمیشود و معاهده کابل، نظر به قوانین بین المللی، یک معاهده مستقل میباشد که افغانستان هیچگاه حق لغو یک جانبه که در ماده چهاردهم این معاهده تذکر یافته است را از دست نداده است.

نتیجه گیری

با در نظر داشت تحقیق فوق و شواهد تاریخی به این نتیجه میرسیم که:

- معاهده خط دیورند ۱۸۹۳ که بین هند برتانوی و امیر آن وقت افغانستان امیر عبدالرحمن خان به امضا رسید، از طرف انگلیس ها برای تعیین ساحت نفوذ سیاسی، به شکل یک معاهده شخصی به امضا رسیده بود، نه شکل معاهده دولتی.
- معاهده خط دیورند، تنها یک موافقتنامه نیست، بلکه زنجیره بی از توفقات مختلف میباشد (مثلاً: معاهدات سالهای ۱۸۹۳، ۱۹۱۹، ۱۹۰۵، ۱۹۲۱).
- اینکه در معاهده اول خط دیورند مشکلات زیاد وجود داشت، به همین دلیل هند برتانوی با هر امیر بار بار بطور شخصی توافقات و مذاکرات دیگری را انجام داد؛ تا بالاخره با استقلال افغانستان در سال ۱۹۱۹ برای اولین بار معاهده کابل، بین دولتین به امضا رسید و تماماً معاهدات قبلی را ملغی قرار داد.
- بر اساس معاهده زنجیره بی دیورند، خط که تعیین گردیده، یک خط فرضی بوده و هیچگاه به شکل مکمل علامت گذاری نگردیده است.
- امیران و بعد از آن، تمام حکومت های افغانستان (شاهی، جمهوری، کمونیستی، مجاهدین، طالبان، و حکومت های منتخب امروزی) در زمان حاکمیت خود، هیچگاه خط دیورند را به حیث سرحد رسمی قبول نه نمودند.
- بعد از هند برتانوی و با وجود آمدن پاکستان، تا به حال تمام ادعاهایی که از طرف پاکستان با در نظر داشت کنوانسیون های بین المللی در مورد خط دیورند صورت میگیرد، افغانستان از نظر حقوقی میتواند تمام ادعاها را به چالش بکشد.
- مرزهای جنوبی و شرقی افغانستان که امروز در نقشه دیده میشود، با نقشه ای که در معاهده دیورند ذکر گردیده کاملاً متفاوت بوده و نتیجه هیچ نوع توافق نمیشود.
- به لحاظ تاریخی، قبایلی که در امتداد این خط زندگی میکنند، حتی در زمان هند برتانوی اتباع هند نبودند و این ساحت قبایلی، تنها برای جلوگیری ساحت نفوذ سیاسی و نظامی افغانستان برای بازی بزرگ توسط زور اشغال گردید؛ به همین دلیل است که انگلیس ها درین ساحت همیشه با جنگ و مقاومت روبه رو بودند.
- نتیجه کلی بحث فوق این است که مسایل ملی و حساس مثل معاهده خط دیورند که پیشینه تاریخی طولانی داشته باشد، باید از کشمکش های سیاسی کشور و سلیقه های مختلف سیاسی جدا شمرده شود و با در نظر داشت منافع ملی، این بحث ها برای اشخاص صاحب علمیت و مسلک واگذار گردد؛ تا از آن در سطوح بین الملل برای کشور استفاده استراتژیک نمایند.

منابع:

- Adamec, L. W. (1967) Afghanistan, 1900-1923: A Diplomatic History, Berkeley: University of California Press.
- Adamec, L. W. (1974) Afghanistan's Foreign Affairs to the Mid-Twentieth Century, Tucson.
- Afghanistan, available online at <http://www.ips.org.pk/the-muslim-world/986-pak-afghan-relations-the-durand-line-issue.html>, accessed 18 March 2017.
- Amin, A. (2004) 'Resolving the Afghan-Pakistan Border Question', Journal of Afghanistan Studies, Kabul, Volume 1, Summer June-August.
- Baker, R.S. (1922) Woodrow Wilson and World Settlement Volume 3, New York: Doubleday, Page & Co.

د پانوی شمیره: له 7 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

- Baxter, Craig (1997) 'Country Studies: Afghanistan, the Pashtunistan Issue', US Library of Congress.
- Encyclopedia Britannica (no date) 'The Third Anglo-Afghan War', available at <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/24956/Anglo-Afghan-Wars/301079...> on 18 March 2017.
- Encyclopedia Britannica, available online at <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/287778/sphere-of-influence>, accessed 20 March 2013.
- Holdich, T. H. (1987) *The Indian Borderland: 1880-1900* (1st Edition), Delhi: Gian Publishing House.
- Khan, S. M. (ed.) (1980) *The Life of Abdur Rahman: Amir of Afghanistan*, Karachi: Oxford University Press, p. 154-55.
- 'Malakand and Chakdara', *Journal of Pakistan Historical Society*, Karachi.
- Marsh, B. D. (2009) 'The North-West Frontier and the Crisis of Empire: Post-War India and the Debate over Waziristan, 1919-1923', *British Scholar*, 1(2).
- National Archives of India (1893) 'Mission to Kabul', Foreign Department, Sect.F. 771/481, p 578.
- National Archives of India (1897) 'Letter written to the Viceroy from His Highness the Amir', Foreign Department, Secret F, 449.
- National Archives of India (1920) 'Article V: Treaty of Peace 1919', Foreign Department, Sect F.
- National Archives of India (1921) 'Texts of the Treaty of Kabul, 1921', Foreign Department, Sec. F, 147/78.
- National Archives of UK (1925) 'Afghanistan, Memorandum by Birkenhead', SECRET C.P. 286(25), Catalogue Reference CAB 24/173/88.
- National Archives of UK (1925) 'Afghanistan', Record Type: Memorandum, 9 June, Reference: CAB 24/173/88.
- Qaseem, A. S. (2008) 'Pak-Afghan Relations: The Durand Line Issue', *Policy Perspectives*, Special Issue
- Rizvi, Mujtaba, *Pakistan and Afghanistan*. Westview Press: 1994.
- Rome, S. I. (1995) 'The Malakand Jihad(1897): An Unsuccessful Attempt to Oust the British from
- Rome, S. I. (2004) 'The Durand Line Agreement (1893): Its Pros and Cons'.
- The Express Tribune (2012) 'Splintering Relations?: Durand Line is a 'settled issue', says FO', 25 October, available online at <http://tribune.com.pk/story/456881/splintering-relations-durand-line-is-...>, accessed 25 March 2017.
- UN (1972) 'Summary Record of the 1192nd meeting: The question of Succession of State', Extract from the Yearbook of the International Law Commission 1972, Document no: A/CN.4/SR.1192, Vol. 1, p. 249.

تشکر از سایت معتبر پژوهش

د پانوی شمیره: له 8 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلېکنی د لېکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ